

30

« »

صفحه ۱۱

نگاهی به مباحث جمهوری خواهان  
دمکرات و لائیک

صفحه ۱۲

رضا اکرمی

« »

صفحه ۱۳

احمد آزاد

بقیه در صفحه ۲

صفحه ۳

جمشید مهر

« »

« ! »

...

« » « »

( )

صفحه ۱۶

محمد اعظمی

صفحه ۹

!

## اتحادگان

صفحه ۲۳



صفحه ۶

« »

!

صفحه ۷

صفحه ۲۰

### جهان نژادپرستی آتمی

برگردان به فارسی ناهید جعفرپور

## بحران هسته ای سرآغاز بحران بزرگ تر؟

شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی سازمان ملل متحد، با تصویب قطعنامه پیشنهادی دول اروپائی در جلسه ۲۶ سپتامبر ( برابر با ۲۱ مهر) خود، عملاً راه ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت را هموار نموده است. در این قطعنامه اگرچه تاریخ معینی تعیین نشده است، اما عملاً تنظیم آن به نحوی است که در صورت امتناع جمهوری اسلامی از انجام درخواست های شورای حکام، از جمله قطع غنی سازی اورانیوم در اصفهان که شرط شروع مجدد مذاکره با سه دولت اروپائی (فرانسه، انگلیس و آلمان) است، عملاً ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت، تنها تصمیم است.

طی دو سال گذشته، همواره بحث ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد، بویژه از طرف دولت آمریکا مطرح شده است، بهانه آن هم پنهانکاری های جمهوری اسلامی در مورد اهداف و ابعاد برنامه اتمی اش بوده است. در واقع امر هم پنهانکاری ها و عدم شفافیت حکومت اسلامی در این عرصه، مورد سوء ظن جامعه بین المللی و از جمله دول اروپائی بوده است. در عین حال طی دو سال گذشته تلاش دول اروپائی بر این بوده است که با ترغیب جمهوری اسلامی به همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی و شفافیت بخشیدن به پروژه هسته ای، حتی با دادن برخی امتیازات اقتصادی و سیاسی مساله بحران اتمی ایران در چارچوب آژانس بین المللی خاتمه یابد. امضای پروتکل الحاقی، توقف غنی سازی اورانیوم از سوی جمهوری اسلامی و ادامه مذاکرات در این مورد از جمله تدابیری بودند که برای دستیابی به یک راه حل اتخاذ شدند. توافق پاریس که بر طبق آن توقف غنی سازی اورانیوم از طرف جمهوری اسلامی پذیرفته شد، از نتایج این مذاکرات بود. در عین حال نقطه اختلاف طرفین مذاکره نیز همین توافق بود. تفسیر جمهوری اسلامی از توافق بر سر غنی سازی اورانیوم، یک اقدام موقت بود، تفسیر اروپا برعکس، برای همیشه بود. همین نقطه اختلاف نیز بعد از تحولات حول و حوش تغییر دولت در جمهوری اسلامی، مبنای اتخاذ

سیاست جدید و آغاز مجدد غنی سازی اورانیوم بدون توجه به توافق با اروپائی ها و عملاً اعلام قطع مذاکرات با سه دولت اروپائی گشت. قطعنامه اروپائی ها در واقع پاسخ این اقدام بود.

اکنون ما در شرائطی قرار گرفته ایم که از یک طرف سران جمهوری اسلامی مدعی برافراشتن پرچم «منافع ملی» هستند و اصحاب «دولت امام زمان» دم از کار های مصدقی در سازمان ملل می زنند. حزب الله به خیابان ها کشانده شده است تا زیر شعار غنی سازی، با داغ و درفش به جان مردم بیفتند و زیر سایه یک بحران جدید بین المللی تیغ سرکوب را تیزتر کنند. از طرف دیگر، ارتش آمریکا در چهار گوشه کشور ما مستقر است و دولت آمریکا در تلاش است که به هر بهانه ای که شده، حلقه استیلائی خود بر منطقه را تنگ تر نموده و به نام دموکراسی، مستقیم و یا غیر مستقیم تیشه به ریشه جنبش دموکراسی در کشور زده و در بهترین حالت دولت دلخواه خود را از بالای سر مردم بر کشور مسلط گرداند. پرونده اتمی جمهوری اسلامی عملاً بهانه های لازم را برای تحقق این سناریوی سیاه فراهم می کند.

ما همواره تاکید نموده ایم که برنامه اتمی جمهوری اسلامی یک ماجراجویی بیشتر نیست. اهداف آن ناروشن و توجیه برای ادامه آن برای هیچ کس قانع کننده نیست. اهمیت و کارائی اقتصادی آن برای کشور ناروشن است. پنهان کاری سران حکومت در این مورد محل شک و شبهه برای همه است. از این رو نیز تبدیل غنی سازی اورانیوم به یک امر ملی، در شرائطی که هیچ انگیزه ملی در هموار کردن راه تبدیل پرونده اتمی به بهانه مداخلات خارجی تحت نظر شورای امنیت سازمان ملل نمی تواند وجود داشته باشد، بیش از آن که بیان واقعیت پشت پرده هیاهوی سران حکومت اسلامی باشد، بیانگر بی کفایتی آن ها در حفظ همین منافع و تبدیل سرنوشت کشور به ابزار و وسیله ای در خدمت اهداف کوتاه نگرانه خود در حفظ حکومت خویش است. اولاً کم نیستند کشورهایی که بدون غنی سازی اورانیوم هم، اگر هدف تولید انرژی اتمی برای استفاده صلح امیز باشد، دارای فن آوری هسته ای هستند. کما این که خود جمهوری اسلامی هم در رابطه با نیروگاه اتمی بوشهر قراردادی با روسیه منعقد نموده است که

اورانیوم غنی شده همین نیروگاه را تامین نموده و زباله آن را هم تحویل بگیرد. ثانیاً با وجود این قرارداد نقد در مورد بوشهر، نه هدف از اصرار به از سرگیری غنی سازی در اصفهان روشن است و نه مصرف این اورانیوم غنی شده در یک نیروگاه مجهول و غایب قابل درک است. همین امر هم خود موجب این سوال است که با چه هدفی بر این غنی سازی تاکید می شود. صرف تاکید بر حفظ حق هر کشوری، از جمله کشور ما، در غنی سازی اورانیوم، برای هیچ کس قانع کننده نیست. جز این که همین غنی سازی نیز، وسیله ای است تا بازی با برگ پروژه هسته ای ادامه یافته و بده و بستان زیر سایه آن در صحنه بین المللی، پرده ساتری بر مشکلات داخلی گردد. اما این بازی بر خلاف ادعای سران حکومت اسلامی نه از جنس بازی های گذشته این حکومت در بحران سازی های پیشین خود در عرصه بین المللی است و نه شرائط امروز جهان و منطقه خاورمیانه میدانی برای چنین بازی هائی است.

سیاست بحران آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین المللی، این بار دامن نه فقط خود این حکومت را می گیرد، بلکه از گذرگاه سیاست های این حکومت، به خطری برای آینده کل کشور و مردم ایران تبدیل می شود. با ترک میز مذاکره، زمینه محاصره های اقتصادی، سیاسی و تقابل نظامی کشور را هموار می کند.

ما تردیدی نداریم که تنها راه اجتناب از تبدیل کشور ما به جولانگاه قدرت های سلطه گر خارجی و در راس آن ها آمریکا، حل بحران اتمی جمهوری اسلامی در چارچوب آژانس بین المللی اتمی و اجتناب از تبدیل این پرونده به وسیله ای برای دخالت های خارجی در سرنوشت کشور ماست.

ما همه نیروهای آزادیخواه و مسئول در برابر سرنوشت و آینده کشور را به اتحاد عمل و همکاری نزدیک برای وادار نمودن جمهوری اسلامی به گردن نهادن بر تعهدات و قوانین بین المللی فرا می خوانیم. تنها راه اجتناب از خطراتی که در کمین کشور و مردم ما نشسته است، وادار کردن جمهوری اسلامی به عقب نشینی از سیاست های بحران آفرین خود در سطح بین المللی و عقب نشینی در برابر اراده مردم است.

جمشید مهر

« 83 12 22 )  
 » ( 1  
 « ( IAEA )  
 »  
 2005 24  
 ».  
 »  
 «  
 »  
 ( NPT )  
 »  
 NPT ) «  
 )  
 «.  
 «.  
 NPT  
 UCF :  
 »  
 «  
 :  
 «  
 »  
 «  
 :  
 »  
 — «  
 »  
 «.  
 «  
 »  
 .»  
 »  
 27  
 »  
 .«.

» «

«3— »

« » . »

34 . »  
1384 14

» «

«

4

» « »

» «

» «

-1 (83 26 )« »

«

»

-2 1382

-3 « » «

-4 ».

»

1384 17

1382

. « .

( UCF )

UF ) ( 6 )

. « . 2)

-1

24

(

)93+

NPT

2005

-2

-3

« »

)

« .

(

»

«

»

«

»

«

2004 23

»

« »

2004 15

« »

« »

» «.

».

اصانلو: می توانند به لحاظ غیرقانونی و قدرتی که دارند حتا ما را هم بازداشت کنند و به زندان بفرستند، ولی جلوی جنبش سندیکایی را دیگر نمی توانند بگیرند. چون امروز با یک نفر طرف نیستند. امروز هزاران کارگر شرکت واحد این سندیکا را می خواهد. در جلسه ی جمعه ی قبل معاون امنیتی آقای طلایی، بنام سرهنگ زمانی اینجا شرکت داشت و خودش دید که چگونه بیش از ۵۰۰ کارگر فریاد می زدند و از خواسته هایشان و از هیات مدیره ی سندیکای شان حمایت می کردند. اینها یک شق کارشان برای خنثی کردن فعالیت های سندیکایی بعضا ایجاد تفرقه و انگ زنی و پرونده سازی ست که خوشبختانه با رشد آگاهی کارگران و همکاران ما تا حالا موفق نشده اند. و همکاران ما اعلام کرده اند که اگر هیات مدیره ی ما را به هر دلیلی بخواهند بازداشت کنند، با یک اعتصاب سراسری در تهران، در خطوط حمل و نقل، جواب آنها را خواهیم داد و در بسیاری از شهرستانها هم این اعلام حمایت ها و پشتیبانی ها بشکل دوستانه و تلفنی شده است. من فکر نمی کنم این ترفندها بتواند راه بجایی ببرد و بهتر است کسانی که می خواهند از این راه ها پیش بروند، بیابند با نمایندگان واقعی کارگرها گفتگو بکنند، راه حل های عملی را با همدیگر بررسی کنیم، امکانات را بسنجیم و مطالبات را با آن امکانات تنظیم کنیم و اجازه ندهیم کشور ما بیهوده وارد یک بحران دیگری بشود.

**دویچه وله: آقای اصانلو، شما فکر می کنید سندیکای کارگران شرکت واحد تا چه اندازه می تواند الگویی باشد برای سایر بخش ها؟**

اصانلو: امروز در کنار سندیکای شرکت واحد و هیات موسسان سندیکای کارگری ما شاهد بوجود آمدن هیات موسس سندیکاهای کارگران نقاش، نانوا در سه تا چهار صنف نانویی، کارگران ساختمانی که از سالها قبل تابلوی سندیکایشان را هم حفظ کرده اند و با ما ارتباط برقرار کرده اند در شهرستانها، همینطور اتوبوس رانی های مختلف هستیم. یعنی من به جرات می توانم بگویم یک جنبش نوین سندیکایی در ایران در کنار سندیکای شرکت واحد در حال رشد است و کارگران بخش های مختلف به طرف تشکیل سندیکاهای مستقل و آزاد خودشان حرکت می کنند و به همین دلیل هم هست که مخالفت با سندیکای شرکت واحد خیلی قویتر شده و بهرطریقی بخش های مختلفی که منافع مردم و کارگران را در این سالها نداده اند و حقوق مردم را پایمال کرده اند، برای جلوگیری از حرکت سندیکایی ما دست به هر ترفندی می زنند.

**دویچه وله: فکر می کنید که می توانند موفق شوند جلوی حرکت سندیکا را با این اقدامات بگیرند؟**

...

**دویچه وله: سندیکا تا چه اندازه موفق شده این مطالبات را برای کارگرها روشن بکند؟ به عبارتی تا چه اندازه سندیکا واقعا درمیان کارگران شرکت واحد نفوذ و طرفدار دارد؟**

اصانلو: سندیکا اولین بخش کارش آموزشهای سندیکایی ست که کارگران و خانواده های آنان را با حقوق انسانی، حقوق کار، حقوق اجتماعی، حقوق خانوادگی و نهایتا حقوق جهانی و بین المللی خودشان آشنا بکند. به لحاظ تعداد هم، می توانیم بگوئیم، وقتی ما در روز ۱۶ شهریور ۱۳۸۴ از همکاران مان درخواست کردیم که اعتراض خودشان را بوسیله ی روشن کردن چراغ هایشان در سطح شهر تهران نشان بدهند، این امر با چنان استقبالی روبرو شد که بیش از ۸۵ درصد اتوبوسهای شرکت واحد چراغهایش روشن بود. در رابطه با مردم هم به جرات می توانم بگویم که از آنها استقبال می کردند و همدردی و همراهی نشان می دادند و حتا خیلی از مسافرین می گفتند اگر شما شرکت واحدی ها بتوانید یک کاری بکنید که وضعیت ما هم بهتر بشود.

**دوپیچه وله:** پیمان دسته جمعی ششم شامل چه درخواستهایی است؟

اصالتو: در پیمان دسته جمعی ششم مطالبات و درخواستهایی آمده که مربوط به امروز هست، با توجه به تغییراتی که جامعه کرده و نیازهای جدیدی که برای خانواده ها بوجود آمده و اینکه هزینه هایی در زندگی امروزه ی مان داریم که در سال ۶۲ نبوده .

**دوپیچه وله:** ممکن است این را کمی بیشتر توضیح بدهید؟

اصالتو: برای مثال، حداقل دستمزد را معمولا چنین تعیین می کنند که لااقل پنج نیاز اولیه ی هر موجود زنده ای را تامین بکند. مثل مسکن، بهداشت، خوراک، پوشاک، و آموزش و همیظور تفریح که البته چنانچه کارگران بتوانند. فرضا در بخش آموزش امروز در تمام دنیا یک بخش از آموزش داشتن کامپیوتر در خانه ها و دانستن زبان انگلیسی ست و همیظور زبانهای خارجی دیگر، و همیظور وسایل کمک آموزشی که نیاز امروز است و در داشتن یک معلم و شاگرد و تخته سیاه و چوبدستی خلاصه نمی شود و نمی تواند به عنوان آموزش پاسخگو خانواده ها و حتا کارگرهایی که بایستی ضمن خدمت دائما آموزش ببینند باشد. و با این اتوبوس هایی که جدیدا می آید، دنده ای نیستند، اتوماتیک اند، باید انگلیسی بدانند تا بتوانند حرفی که روی دستگاه کنترل کننده ی اتوبوس می آید جلوی چشم شان را بخوانند. یعنی یک بخشی از نیازهای نوین جامعه ی ما، نیازهای نوین آموزشی ضمن خدمت و نیازهای نوین خانواده های کارگری برای داشتن ابزار مدرن آموزشی و ارتباطی ست. یا در رابطه با مسکن یک زمانی به داشتن یک طاق میگفتند مسکن. الان ما حتا آن طاق را هم نداریم. حتا یک آپارتمان پنجاه متری هم نیست. حتا یک خوابه. من به جرات می توانم بگویم بیش از ۵۰ درصد کارگرهای شرکت واحد در حاشیه ها و دوردست های اطراف تهران زندگی می کنند .

بقیه در صفحه ۵

بدون اینکه ما درخواست رسمی بکنیم یا اطلاعیه ای بدهیم، آنهم به این دلیل که حجم نارضایتی های کارگران امروزه در کشور ما خیلی بالاست.

**دوپیچه وله:** الان بزرگترین نارضایتی کارگران شرکت واحد در چه زمینه ای ست؟

اصالتو: اصلی ترین مسئله نداشتن تشکیلات مستقل و آزاد است. اولین خواست کارگران شرکت واحد اینست که سندیکایی را که تشکیل داده اند بتواند با آزادی و در چهارچوب قوانین کاری بین المللی فعالیت کند.

**دوپیچه وله:** سایر درخواستهای کارگران در چه مواردی است؟

اصالتو: دومین نارضایتی اینکه دستمزدهایی که امروز کارگران شرکت واحد می گیرند به جرات می توانیم بگویم که کمتر از نصف میزان درآمدی ست که یک خانواده ی فقیر در تهران برای امور زندگی به آن احتیاج دارد، و اینکه طی سالهای گذشته بتدریج قراردادهای رسمی را به کارگر قراردادی تبدیل کرده اند و این از خواسته های اصولی کارگران است که قراردادی ها تبدیل به قراردادهای رسمی بشوند. یکی دیگر از خواسته ها این بوده است که ما پیمان نامه های دسته جمعی پنجگانه ای را از دوران ستم شاهی تا امروز، بوسیله ی سندیکاهایمان موفق شدیم منعقد کنیم که در آنها کارگران توانستند حق و حقوقی را با تلاشهای متشکل سندیکای خودشان بدست بیاورند و از ساواک و حکومت شاه، که بقولی می گویند آنقدر سرکوبگر و دیکتاتور و کودتایی بود، بگیریم. ولی متاسفانه از سال ۶۲ به این طرف که جلوی فعالیت سندیکاها گرفته شد ما محروم از نهادهای کارگری مان شدیم. در نتیجه امروز خواهان این هستیم که مفاد اجرا نشده آن پنج پیمان قبلی اجرا بشود. علاوه براین، ما خواهان این هستیم که پیمان دسته جمعی ششم بین نمایندگان سندیکای کارگری شرکت واحد و کارفرما منعقد بشود.

تشکیل بدهند. در زمانی که بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد توسط هیات موسس در ساختمان سندیکای کارگران خباز تهران افتتاح شد، از سوی عوامل مدیریت و خانه ی کارگر و شورای اسلامی کار مورد هجوم واقع شد. یعنی کسانی که در اصل اینها نمایندگان کارفرما هستند در نهادهای کارگری، چون بدون انتخابات آزاد و رعایت اصول استانداردهای بین المللی در امور کارگری، خودشان را نماینده ی کارگر می دانند. این هجوم منجر به شکستن در ورودی، پنجره ها و بردن اموال کارگران، قبوض سندیکا و پولهایی موجود در آنجا شد و همچنین کتابهای زیادی از قانون کار، قانون صنفی که در سندیکای ما بود را سرقت کردند و ما را هم مورد ضرب و شتم قرار دادند که ۵۶ نفر مجروح شدند. ما به دادگاه مراجعه و شکایت کردیم. پرونده ای تشکیل شد، در شعبه ی هشتم دادرسی ناحیه ی ۱۱ دادرسی عمومی دادگاههای تهران در میدان منیریه، که از ۲۰ اردیبهشت تا دیروز این تحقیق و بررسی در این شعبه ی دادرسی ادامه داشت. بعد از آنکه مراحل تحقیق و دادرسی گذشت، دادرسیار محترم ما را دعوت کردند. با توجه به اینکه از سوی قاضی عنوان شد که دادرسی یا دادرسی علنی ست و کلیه کسانی که شکایت از مدیریت شرکت واحد، شورایی ها، حراستی ها و از خانه ی کارگر دارند می توانند در این جلسه شرکت کنند، چه به عنوان شاکی و چه به عنوان گواه و شاهد، ما هم این موضوع را اعلام کردیم که بسیاری از همکاران ما، بخاطر احساس مسئولیت شان نسبت به سندیکا و رهبری سندیکا و همچنین به دلیل اینکه خود آنها شکایت های مختلفی از مدیریت شرکت واحد، از اعمال خلاف قانون حراستی ها و شورایی ها و حزب خانه ی کارگر داشتند، از ۸ بامداد به میدان منیریه مراجعه کردند .

**دوپیچه وله:** چند نفر در مقابل دادرسی عمومی تهران جمع شده بودند؟

اصالتو: تجمع در حدود ۴۰۰ نفر از رانندگان بود که داوطلبانه آمدند،

**دوپیچه وله:** آقای اصالتو ممکن است علت تجمع دیروز راننده های شرکت واحد را توضیح بدهید؟

اصالتو: تجمع دیروز در میدان منیریه تهران به این علت بود که کارگران شرکت واحد طی سال گذشته موفق شدند سندیکای کارگری خودشان را

بر اساس این ارتقای پایه و یا گروه افزایش حقوق، سهولت در گرفتن مرخصی و مزایای دیگر مدنظر قرار می‌گیرد.»

وی ادامه داد: «با در نظر گرفتن این مسائل نگرش بلیت از دانش‌آموزان و ارائه کارت منزلت برای سالمندان و معلولان مزایای رانندگان در این زمینه کاهش می‌یابد.»

ابراهیم ۲۷ ساله نیز با پنج سال سابقه کار در شرکت واحد به عنوان راننده اتوبوس به خبرنگار ایسنا در زمینه مشکلات همکاری با بیان اینکه حقوق و مزایای دریافتی وی با وجود زحمت فراوان بسیار ناچیز است، گفت: «مواردی از جمله جمع هزینه خوار و بار در ماه ۲۱۰، هزینه اولاد ۱۲ هزار و کمک هزینه مسکن هشت هزار تومان و کمک هزینه ناهار را نیز ۱۰ هزار تومان می‌توان به عنوان مثال نام برد که در مجموع حدود ۲۴۰ هزار تومان می‌شود و با کاهش هزینه‌های مالیات و بیمه در نهایت حدود ۱۵۰ هزار تومان در ماه باقی ماند.»

وی ادامه داد: «علاوه بر پرداخت نشدن حق ایاب و ذهاب سرویس‌های یک طرفه وجود دارد و از سوی دیگر با وجود حضور یک کمک راننده و خدمه به همراه راننده اتوبوس در سال‌های اولیه تاسیس شرکت در حال حاضر به منظور کاهش فشارهای موجود حتی کمک راننده‌ای در اختیار رانندگان قرار نمی‌گیرد و وظیفه جمع‌آوری بلیت و کنترل و راهنمایی مسافران بر عهده رانندگان است.»

عطا ۳۰ ساله - راننده منطقه شش شرکت واحد - است که در سال ۸۴ به علت فعالیت در تشکلهای کارگری با مشکلاتی مواجه شده است. او نیز به خبرنگار ایسنا گفت: «طبق اصل ماده ۱۳۱ قانون کار و اجرای اصل ۲۶ قانون

خرابی اتوبوس راننده باید پاسخگوی مسافران نیز باشد و همچنین وظیفه جمع‌آوری بلیت و کنترل مسافران بر عهده رانندگان است.»

وی اظهار کرد: «رانندگان شرکت واحد از کمترین تسهیلات در خصوص ارائه وام با مدت زمان انتظار طولانی برخوردارند، از سوی دیگر با وجود دیگر عواملی چون خط اتوبوس و منطقه و مسائل دیگر راننده که در اختیار شرکت است که در صورت اعتراض به صورت ناعادلانه تغییر می‌یابد. رانندگان شرکت واحد حق اعتراض به کم بودن مزیت‌ها، پاداش‌ها وام و غیره را ندارند. (تغییر منطقه یعنی منطقه نزدیک به حمل زندگی راننده را به منطقه‌ای دورتر منتقل می‌کنند.)»

وی با اشاره به اینکه از نظر مرخصی‌های قانونی مشکلی برای رانندگان شرکت واحد وجود ندارد، افزود: «تنها مشکل موجود حضور اجباری رانندگان در روزهای جمعه است که فشارهایی در خصوص تغییرات عوامل مربوطه وارد می‌شود و از سوی دیگر از لحاظ روانشناسی استراحت پس از مدتی کار برای افراد بخصوص راننده به منظور آرامش روان و اعصاب از نظر روانشناسی تاکید شده است.»

او وظیفه راننده را با توجه به شدت ترافیک و ازدیاد مسافر تنها رانندگی و حمل و نقل مسافران دانست و تصریح کرد: «جمع‌آوری بلیت راهنمایی و کنترل مسافر وظیفه کمک راننده است که شرکت واحد باید برای این منظور افرادی را استخدام کند و از سوی دیگر شمارش بلیت پس از پایان هر روز در مقابل نام هر راننده در کامپیوتر ثبت می‌شود که پس از گذشت چند سال و با توجه به تساوی و یا بیشتر بودن تعداد بلیت‌ها از میانگین کل و پایه و یا گروه رانندگان افزایش می‌یابد که

گفت‌وگو با خبرنگار کار و اشتغال ایسنا گفت: «حقوق روزانه ما شش هزار و ۲۰۰ تومان است که در ماه به حدود ۱۸۰ هزار تومان می‌رسد.»

وی با اشاره به محاسبه دقیق ساعات کاری برای پرداخت حقوق توضیح داد: «در خصوص افرادی که رانندگان ۱۲ ساعتی هستند فاصله زمانی بازگشت به ایستگاه (خط) که به گاراژی معروف است بر خلاف ساعت رفت محاسبه نمی‌شود و حقوق این دسته از کارگران کاهش می‌یابد.»

او مشکلات و موارد اعتراض کارگران را به صورت عمومی در زمینه فیش حقوقی ندانست و گفت: «مشکلات کارگران در خصوص حقوق‌ها و مزیت‌های جانبی است. به طور مثال شغل خدماتی رانندگانی با کارگر تولید متفاوت است. کارگران تولید در مراکز تولیدی علاوه بر دریافت حقوق ثابت از پاداش تولید و بهره‌وری برخوردار هستند که به طور مستقیم درصدی به کارگر تعلق می‌گیرد اما کارگران شرکت واحد تنها حقوق ناچیزی دریافت می‌کنند.»

وی با عنوان شغل رانندگی در دسته مشاغل سخت و زیان‌آور خاطرنشان کرد: «باید مسوولان مربوطه با در نظر گرفتن مشکلات کار برای کارگران شرکت واحد که از پاداش بهره‌وری و تولید مزایای دیگر محروم هستند، مزیت‌هایی از جمله عیدی ۶۲ روز بدون سقف، لباس به همراه جزئیات دو دست در هر سال پرداخت مالیات حقوق کارگران از سوی کارفرما و موارد دیگر را برای آنها در نظر بگیرند.» او خاطرنشان کرد: «علاوه بر موارد ذکر شده رانندگان شرکت واحد، امکانات رفاهی و انسانی از جمله وقت صرف صبحانه، ناهار، خواندن نماز، استراحت و غیره را ندارند و از سوی دیگر با وجود تمام این مشکلات در صورت

!

## پای صحبت رانندگان اتوبوس شرکت واحد

گزارش زیر از خبرگزاری دانشجویی ایسنا گرفته شده است. در این گزارش، خبرنگار با چند تن از رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه به صحبت می‌نشیند و گفته‌های آنان را بازتاب می‌دهد. این گزارش برای آشنایی خوانندگان اتحاد کار با مسائل و مشکلات رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، از زبان خوشان، درزیر آورده می‌شود.

فضای گرم و پر از دود یکی از پایانه‌های اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه مملو از مسافرانی است که در انتظار آمدن اتوبوس برای رسیدن به مقاصد خود هستند و راننده‌ای که تازه از راه رسیده بدون استراحت به صورت افتخاری حمل و نقل مسافران خط دیگری را به عهده گرفت. بالاخره پیرو مذاکرات قبلی و با حضور یکی از مسوولان تشکلهای کارگری شرکت واحد موفق به مصاحبه با چند تن از رانندگان شدیم.

بر این اساس پای درد و دل چند تن از کارگران (رانندگان) شرکت واحد اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه نشستیم.

حمید با ۱۱ سال سابقه به صورت رسمی در شرکت واحد به عنوان راننده مشغول به کار است. او در





راندنگان از داشتن حق ناهار محروم هستند و ۹۰۰ تومان برای ناهار، ۲۱۰ تومان برای خوار و بار، شش هزار تومان برای حق مسکن داده می‌شود که متاسفانه بسیاری از این مسائل برای کارکنان دیگر متفاوت است.»

او با اشاره به شرایط اجتماعی، اقتصادی و تورم موجود در جامعه ادامه داد: «حقوق دریافتی این کارگران کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌کند و از سوی دیگر با وجود اینکه شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه وابسته به شهرداری تهران است اما شهرداری علاوه بر اینکه حقوق دریافتی کارکنان خود را می‌پردازد مزیت‌های دیگری از جمله ۵۰۰ هزار تومان بن کمک هزینه زندگی، بیمه‌های تکمیلی به کارگران و کارمندان تعلق می‌گیرد که کارگران شرکت واحد از این امر مستثنی هستند.»

وی با تاکید دوباره بر تبعیض بین کارکنان و کارگران شرکت واحد افزود: «بسیاری از کارکنان خدماتی و دفتری شرکت واحد در طول روز شیر دریافت می‌کنند که راندنگان این شرکت به بهانه فاسد شدن شیر از این امر محروم هستند.»

او تصریح کرد: «در ۱۰ منطقه شرکت واحد، ۱۰ مرکز شورای اسلامی کار شرکت واحد وجود دارد که مکانی به نام شورای اسلامی کار شرکت واحد مرکز وجود ندارد.»

وی با اشاره به مشکلات موجود که از سوی دیگر همکاران مطرح شد، تصریح کرد: «بسیاری از راندنگان شرکت واحد حق صحبت با افرادی چون خبرنگار و متفرقه ندارند و در صورت مشاهده بازخواست می‌شوند.»

راندنگان دیگر از مسائل و مشکلات مدیرعاملان گذشته و حال شرکت واحد خبر داد و گفت: «بیشتر فشارهای این تغییر و تحولات بر راندنگان شرکت واحد تحمیل می‌شود و از سوی دیگر ارتباط غیر مستقیم و سخت راندنگان با مدیرعامل، عاملی دیگر برای افزایش این مشکلات به حساب می‌آید.»

او در خاتمه افزود: «بر اساس قانون پس از شش ماه و حداکثر یک سال راندنگان قراردادی باید به صورت رسمی به استخدام شرکت واحد برسند که متاسفانه این امر صورت نگرفته است و راندنگانی پس از شش سال سابقه قراردادی هنوز رسمی نشده‌اند.»

با وجود تمام این زحمات و سختی کار راندنگان در آخر روز و ماه نمی‌توانند پاسخگویی خانواده خود باشند و گذشته از این در مقابل ارائه خدمت به مردم حتی از سوی آنها، لطفی و مهربانی‌ای دریافت نمی‌کنند. از سوی دیگر راندنگان علاوه بر راندنگی موظف به جمع‌آوری بلیت به کنترل و راهنمایی مسافران نیز هستند که گاهی برای این جدا از دریافت نکردن پاداشی و مزیتی از سوی مردم مورد سرزنش و ناسزا قرار می‌گیرد.

به گفته یکی از این راندنگان، انعکاس سخنان آنها شاید دستکم این شعر را به ذهن مردم بیاورد که «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند ...» و مرهمی اندک بر درد این قشر از جامعه باشد.

پس از پی بردن به مشکلات راندنگان شرکت واحد از زبان خودشان ابراهیم مددی - رییس

اساسی ایران به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع، قانونی، بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان خود متضمن حفظ منافع جامعه هستند. کارگران مشمول قانون کار در یک حرفه یا صنف می‌توانند به منظور تشکیل انجمن‌های صنفی اقدام کنند که متاسفانه با وجود قوانین به بهانه عضویت در سندیکا و به دلیل اقدام به گرفتن وام از شهرداری از کار اخراج شدم.»

یکی دیگر از راندنگان که خود را شاغل نامید، گفت: «به علت برخی برخوردها که با مسوولان مربوط بوده است به منطقه یک شرکت واحد تبعید شدم و در مدت ۱۰ سال خدمت در این شرکت به مناطق گوناگون تبعید شده‌ام.»

وی که از سال ۶۴ به عنوان بسیجی در جنگ تحمیلی حضور داشته و جانباز نیز هست، ادامه داد: «جدا از مشکلات موجود در این شغل سخت مواردی چون پایین بودن سطح حقوق واقعی، نبود امکانات رفاهی و تفریحی خانواده‌های آنان، ترافیک‌ها، فشارهای روحی، برخورد مردم و مسافران، کم بودن و یا نبود وقت صرف ناهار بر سختی شغل راندنگان شرکت واحد می‌افزاید.»

او با اشاره به تبلیغات موجود بر روی اتوبوس‌های شرکت واحد تصریح کرد: «با وجود پرداخت هزینه‌هایی برای این تبلیغات به شرکت واحد مبلغی به منظور نمایش و چرخاندن این تبلیغات در سطح شهر به راندنگان مربوطه تعلق نمی‌گیرد.»

حسن ۴۴ ساله نیز با وجود اینکه ۱۳ سال سابقه کار در این شرکت دارد، گفت: «طبق قانون کار کارفرما موظف است برای کارگر تحت نظارت خود در جوار کارگاه و یا در محل دیگری مکان مناسبی برای زندگی فراهم کند و لازم است بدانید که متاسفانه با این وجود من هنوز مستاجر هستم.»





توسل به سوژه امام زمان توسط سردمداران و مسئولان حکومتی همچنان ادامه یافت.

در نخستین ماه‌های بعد از انقلاب بهمن، که صدها کارخانه و موسسه دولتی و خصوصی دچار اختلال و تعطیلی شده و کارگران و کارمندان آنها، بدون دریافت دستمزد و حقوق، به حال خود رها شده بودند، یکی از مراکز مورد مراجعه انبوه بیکارشدگان هم «سازمان برنامه و بودجه» بود که ریاست آن، در آن هنگام، در دست علی اکبر معین‌فر بود. روزی که صدها کارگر یک شرکت ساختمانی و پیمانکاری برای رسیدگی به شکایت و تعیین تکلیف خود به سازمان برنامه آمده و در سرسرای ورودی آن نشسته بودند، معین‌فر در جمع شاکیان حاضر شده و به ایراد سخنرانی پر حرارتی پرداخت که مضمون اصلی و چکیده حرفهای او این بود: این دولت مثل دولتهای سابق نیست و شما هم نباید در مقابل آن بایستید و تحسن کنید. این دولتی است که در رأس آن نایب امام زمان، امام خمینی است. این دولت امام زمان است و من هم وزیر امام زمان هستم. شما بایستی صبر و تحمل داشته باشید تا به مشکلاتتان رسیدگی شود! بعد از این سخنرانی، رئیس سازمان برنامه، بدون آن که منتظر پاسخ یا اظهار نظر معترضان باشد، آن جمع حیرت‌زده را بر جای نهاد و آنجا را ترک کرد. اجتماع آن روز کارگران بدین ترتیب پایان یافت و مشکلات آنها نیز هیچ وقت حل نشد، اما استفاده از این گونه شگردها برای ارباب و خاموش کردن صدای اعتراضات و حق‌طلبی‌ها، بارها و بارها، به وسیله مسئولان دولتی تکرار گردید.

با شروع و تداوم جنگ ویرانگر هشت ساله، حضور و «ظهور» امام زمان به اشکال گوناگون هم حدیثی متواتر گشت. نه تنها «امدادهای غیبی» امام زمان و دیگر ائمه و اولیا در جریان «دفاع مقدس»، بلکه حضور خود امام زمان در جبهه‌ها به روایت‌های مختلف نقل گردیده و یا در مطبوعات درج شد. از جمله، آیت‌الله خزعلی، که در آن زمان عضو فقهای شورای نگهبان بود، گواهی داد که شخص امام زمان، سوار بر اسبی سفید، در جبهه‌ها ظاهر شده است. رواج گسترده این

سوژه‌های شاخص و همیشه حاضر آن بوده است.

از همان ابتدا، هنگامی که شعار «خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار!» را ساخته و مرتباً در مساجد، نمازهای جمعه و جماعت، رادیو و تلویزیون، مجامع دولتی، راهپیمایی‌های حکومتی و... فریاد زدند، می‌خواستند چنین وانمود کنند که نه فقط خمینی، به عنوان مرجع تقلید و بنا به اعتقاد شیعیان، «نماینده امام زمان» است بلکه دولتی هم که او تشکیل داده، دولت «امام زمان» است، و نه تنها این دولت زمینه ظهور او (یعنی انقلاب مهدی) را که آرزوی شیعیان است فراهم می‌آورد بلکه خود نیز تا آن زمان استمرار یافته و به آن اتصال می‌یابد!

در آن زمان که تب «انقلاب اسلامی» و رهبری «امام» خمینی بسیار واگیر و فراگیر شده بود، در خلوت خویش این «امام» را که تازه ظاهر شده بود با آن امام که در انتظار ظهورش بودند، اشتباه می‌گرفتند. فخرالدین حجازی، یکی از معرکه‌گیران سابق و سرشناس رژیم بود که این را آشکارا بر زبان آورد: هنگامی که نمایندگان مجلس اول رژیم در حسینیه جماران به حضور خمینی رسیدند، وی به نمایندگی از طرف همقطاران خود، پس از شرحی مبسوط در مدح و ثنای «بت شکن» زمان، از «امام» درخواست کرد که «حجاب» را کنار زده و هویت خود را بر همگان بنمایاند (امام بگو که (امام زمان) خودتی!). اما خمینی که مسند «نیابت» امام زمان را نقدتر و مناسب‌تر بر حال خود می‌دید و فراست سیاسی‌اش هم بیش از آن بود که چنین خطائی را مرتکب بشود، بر او تشر زد که این حرفها را دیگر تکرار نکند! با اینهمه، چنان که بعدها دیدیم، خود خمینی هم در این باره دچار برخی خلعانهای ذهنی گردید و به نقد عملکرد «ابن‌یاء و اوصیاء» و مقایسه «موفقیت‌های» جمهوری اسلامی با ناکامی‌های آنها پرداخت و سرانجام هم، «حکم حکومتی» ولایت فقیه و «مصلحت» حفظ نظام را برتر از اجرای خود احکام اسلام به حساب آورد. در هر صورت، خود خمینی هم بالاخره «صحنه» را خالی کرد و «انقلاب مهدی» هم به وقوع نپیوست، ولی

در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، همراه با برگزاری «انتخابات» نهمین دوره ریاست جمهوری و تشکیل دولت جدید، بحث و طرح «امام زمان» در محافل مذهبی و حکومتی، باری دیگر، بالا گرفته است. خصوصاً با نزدیک شدن سالروز ولادت امام دوازدهم شیعیان، ۱۵ شعبان (۲۹ شهریور گذشته) این گونه تبلیغات و القائات، در مجامع و منابر مذهبی - سیاسی رژیم، اوج تازه‌ای یافته بود. این قبیل حرفها و حدیثها، که بعضاً در «سایت»های داخلی و مطبوعات حکومتی هم بازتاب می‌یابد، مضامین مختلفی را در بر می‌گیرد. از جمله موعود «ظهور» امام زمان و «علائم ظهور» وی، که از بس متنوع و متناقض و مورد اختلاف راویان و پیروان است که هر دسته و گروهی چیزهای مورد نظر و دلخواه خویش را به عنوان علائم «واقعی» ظهور، طرح و تبلیغ می‌کند. چنان که مثلاً، دارودسته‌های حکومتی، از حوزه و سپاه، که از سال گذشته مبادرت به ثبت نام «داوطلبان» عملیات انتحاری کرده‌اند، تشکیل این، «لشکرهای استشهدادی» را هم جزو علائم و عوامل ظهور امام زمان قلمداد می‌کنند!

اما سوژه‌ای که بیش از همه در این ایام در محافل و منابر وابسته به جناح «برنده‌ی» انتخابات کذائی مطرح شده و می‌شود، رابطه دولت احمدی‌نژاد با امام زمان است. طبق این ترفند تبلیغاتی، موعود ظهور امام دوازدهم، که همواره مورد انتظار شیعیان بوده، بسیار نزدیک است و، بنابراین، پیروان راستین او هم باید زمینه‌ها و عوامل ظهورش را فراهم کنند و تشکیل دولت احمدی‌نژاد هم زمینه‌سازی و تدارکی برای حضور آن امام است و، از این رو، این دولت، دولت «امام زمان» است و هر کس با آن مخالفت کند به مخالفت با خود امام زمان برخاسته است!

توسل به باورها و پندارهای مذهبی، برای پیشبرد مقاصد سیاسی، در جمهوری اسلامی که دین را با دولت در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن آمیخته و ادغام کرده است، البته، هیچ تازگی ندارد. در واقع، این قبیل القائات، استفاده ابزاری از تعلقات و تعصبات دینی و عوامفریبی از شیوه‌های رایج گردانندگان حکومت اسلامی از آغاز استقرار آن، و «امام غایب» هم یکی از

گردیده و همچنین ماجراجویی‌های آنها در مورد پرونده اتمی، انزوای شدیدتر آنها و احتمال رویارویی با بخش بزرگی از جامعه جهانی را به دنبال آورده است.



84/6/16

84/6/31

172 48 6

84/7/25

عاشورایی‌ها و خانواده‌های شهدا و ایثارگران! روزی که امام زمان (عج) در مکه ظهور می‌کنند و از مکه به طرف مدینه به راه می‌افتند، در بین راه توسط قوای عربستان محاصره می‌شوند، کار بسیار سخت می‌شود. امام زمان کسی که می‌خواهد حکومت جهانی اسلام را تشکیل بدهد، در محاصره قرار می‌گیرد. امام زمان به بعضی از اصحابش می‌فرماید بروید و به جوانان ایرانی بگویید، بیایند. به مجرد این که این خبر به ایران می‌رسد این جوانانی که رفتند عملیات طریق‌القدس و... را کردند، راه می‌افتند به طرف عربستان و می‌روند که امام زمان را از محاصره خارج کنند. آماده باشید برای تشکیل حکومت جهانی.»!

آماده باش برای «حکومت جهانی» که علی محمد بشارتی «بشارت» آن را داده بود، به جایی نرسید و با روی کار آمدن دولت خاتمی، بشارتی و دارودسته‌اش هم کنار رفتند و دور تازه‌ای از کشمکش در میان دستجات حکومتی آغاز گردید. اینان و خصوصاً باندهایی که دور «رهبر» رژیم گردآمده بودند، برای کنار زدن رقیبان خود نیز دست به دامان امام دوازدهم شدند. آخرین نمونه این گونه تشبثات هم اظهارات آیت‌الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان، در جریان انتخابات مجلس هفتم رژیم در سال ۱۳۸۲ بود. وی مدعی گردید که فهرست اسامی نمایندگان منتخب این مجلس به امام زمان عرضه شده و ایشان همه این نمایندگان را، یک به یک، تأیید کرده است! طرفه این که، طبق گفته خود مشکینی این فهرست زمانی به امام زمان ارائه شده که اصلاً لیست نامزدهای انتخاباتی هم قطعی و نهائی نشده بود!

حکومت‌های استبدادی برای ادامه حاکمیت خود غالباً به بهره برداری از احساسات و اعتقادات مذهبی و سنتی اقشاری از مردم روی می‌آورند و رژیم جمهوری اسلامی نیز که با بهره‌گیری از دین، و باورها و آیین‌های مذهبی مانند امام غایب، عاشورا، شهادت و... نیز استبداد مضاعفی را بر جامعه ما تحمیل کرده است، چنین شگردهایی را همواره به کار گرفته است. اما تلاشها و تقلاهای اخیر گردانندگان حکومتی برای طرح و تبلیغ «ظهور» امام زمان و دولت «امام زمان» و نظایر اینها، بیش از هر چیزی حاکی از درماندگی آنهاست که در جریان انتخابات قلبی اخیر فقدان مشروعیت و بی‌ابرویی آنها هر چه بیشتر آشکار و عیان

قبیل روایتها، سرانجام بخشی از مردم را به این باور رساند که «سوارکار اسب سفید» در واقع نمایشی است که به کارگردانی «ستاد تبلیغات جنگ» یا سپاه پاسداران، شبها در این یا آن منطقه جنگی به صحنه آورده می‌شود. والله اعلم!

در همین حال، همراه با تشدید سرکوب و خفقان در جامعه، از جانب گردانندگان جمهوری اسلامی نقش تازه‌ای به «سربازان» امام دوازدهم محول گردید. نخستین بار خود خمینی بود که مأموران اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی رژیم را «سربازان گمنام امام زمان» نامید، و بعد از او هم، همین عنوان به وسیله دیگر سران حکومتی و یا در اعلامیه‌های وزارت اطلاعات رژیم مرتباً تکرار شده است. در پی قضیه قتل‌های زنجیره‌ای، و افشاگریهای جسورانه تنی چند از روزنامه‌نگاران و زندانیان سیاسی، تعدادی از این «سربازان گمنام» هم بالاخره نام پیدا کردند و بر همگان آشکار شد که آنهایی که «سربازان گمنام امام زمان» نامیده می‌شوند، در واقع، بازجویان، شکنجه‌گران، جلادان و آدمکشان در خدمت رژیم حاکم هستند. تعدادی از همین عناصر هم، چنان که می‌دانیم، اکنون در دولت احمدی‌نژاد در مسند وزارت و ریاست جای گرفته‌اند.

بعد از پایان جنگ، توسل به نقش و حضور مستقیم امام غایب در امور سیاسی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی، نسبت به دوره قبل، تا اندازه‌ای کاهش یافته و یا کمتر در رسانه‌های همگانی بازتاب می‌یابد. لکن این بدان معنی نبود که این سوژه به فراموشی سپرده شده است. همانطور که سخنرانی وزیر اسبق کشور (که از نوار پیاده شده و در یکی از روزنامه‌های حکومتی درج گردیده است) به عنوان نمونه نشان می‌دهد، گردانندگان این رژیم، به هیچ وجه، حاضر به رها کردن گریبان امام زمان نیستند!

علی محمد بشارتی، وزیر کشور دولت رفسنجانی، در سفری که در مهرماه ۱۳۷۵ به تبریز کرده بود، در یک سخنرانی در جمع مسئولان این شهر، ضمن شرح «گفتگوی خود با خداوند»، «تقدیم کارنامه هفده سال انقلاب اسلامی به خداوند»، مقایسه حکومت جمهوری اسلامی با «حکومت امیرالمومنین»، «کارت قرمزی که امیرالمومنین توی نهج‌البلاغه به استاندارش داده» و ده‌ها بافته دیگر از آسمان و ریسمان، چنین گفت: «بسیجی‌ها،



رضا اکرمی

« »

»

«

« »

« »

( ) - »

«

:  
« » -

« » -

نگاهی به مباحث ساختار جمهوری خواهان دمکرات و لائیک

« »

احمد آزاد

۴ مهر ۱۳۸۴ / ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۵

« » :  
« » « » ( )  
« » :  
« »

!) « " " /1384  
( ) :  
« »

- ) « . /1383 /  
( ) « »

"X " » :

« ( ) 2004 )  
- )  
/2004 25 / « »  
( « »

« » :

« » ( )

« » « »

《 》

《  
2004

32

》

7

《

《 》

《 》

《 》 《 》 《 》

《 》

》

《 》

《

》:

( )

...《

- 》

《

《 》

》

《

《 》

《 》

《 》

《 》

《 》

)

(

( )

.....

!

》

《 》 《 》

《 》 《 》 《 》 《 》

...《 》 《 》

》

《

《 》

》



» (Coalition »  
« 16 )! «  
(1382

La Gauche ) « »  
(Populaire (ANC) « »

»  
« » «  
« »  
« »

« »

« »

»  
« » (Rainbow Coalition) «  
« »

...  
Christian ) « »

« »

12

« »

« »

## کنگره دهم راه کارگر

محمد اعظمی

" ( )  
 (4) " -1:  
 -2  
 -3  
 -4

" "

"

"

)1).

" ... (2) "

:

"

"

"

" (3) "

"

"

"

"  
(5)"

(6)"

(10)"

"  
(7)"

:  
- 1"

(8)":

"  
" " "  
" "

...

"  
"

(9)

»:

«

:

"

"

"

"

"

:

( " " )

" ( )

"

!! (10)"

"

"

:

"

:

"

"

:

"

.....

"

:

:

"

:

"

—

"

... ..

—

.....

:

"

...

"

.....

...

" "

:

(1)

( )

(2)

( )

(3)

"

"

(6) (5)

(4)

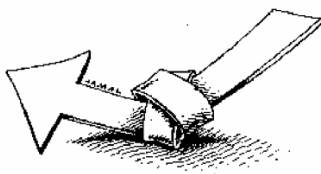
"

(8) (7)

"

(9)

(10)



)

( )

(

3

60000 /

30000  
95

David Krieger  
11.10.2005  
Jungewelt

برگردان به فارسی ناهید جعفرپور

1945

200

60  
1962

1949

1949 1945

1974  
1998

/1  
/2  
/3

1949

1998

1968

1970

5  
5

1967



) 2012 ( ) 2003  
 ( 2002  
 2000 6000  
 2012 18 36  
 1995  
 25 1995  
 2005  
 13 2001 5  
 2000 10  
 " 2000 "  
 2000  
 13 /1  
 1996 /2  
 /3  
 2003 ( ) 31  
 984 1995  
 <<<..... 1996  
 44  
 2003 4 1999  
 ( )

1540 2004 28

1540 ( )

2002

1540

1540

6

Nuclear Age Peace Foundation

International Network of  
Engineers and Scientists for  
Global and Responsibility)

14 #  
16,10,2005

www.einstein-  
weiterdenken.de



10

9



100

19 18

11 10 9

20



# اتحاد کار

1384 131

2005

ETEHAD KAR  
OCTOBER 2005  
VOL 12. NO. 131

تماس با روابط عمومی سازمان:  
نامه های خود را به آدرسهای زیر از  
یکی از کشورهای خارج برای ما پست  
کنید.

آدرس پستی (جدید):

ETEHAD  
B. P. N°. 351  
75625 PARIS Cedex 13  
France

آدرس سازمان در نروژ:

POST BOKS 6505  
RODELO KKA  
0501 OSLO 5  
NORWAY

آدرس پست الکترونیکی

[info@etehadefedaian.org](mailto:info@etehadefedaian.org)

آدرس صفحه سازمان در اینترنت

[www.etehadefedaian.org](http://www.etehadefedaian.org)

فاکس (۴۹) ۲۲۴۱۳۱۰۲۱۷

تلفن

(۳۳) ۶۰۸۶۰۱۳۵۶

تلفن

بها معادل: ۱/۵ ارو

اطلاعیه مشترک

35

12

22



( )

۲۰۰۵/09/27

1384